سارقان خیابان صابونیان صحنه جرم را بازسازی کردند

خواب بودیم که پلیس روی سرمان خراب شد

■ غلامرضا مسکنی

دو قاپ‌زن خشن که ۲۵ روز قبل در جریان سرقت موبایل از زنی بچه بغل، صحنه دلخراشی را رقم زده بودند، قبل از ظهر دیروز صحنه سرقت را بازسازی کردند. متهمان که فکر نمی‌کردند دستگیر شوند، گفتند خواب بودیم که مأموران روی سر ما خراب شدند.

دقایقی مانده به ساعت ۱۱ قبل از ظهر روز یک‌شنبه اول اردیبهشت‌ماه است و قرار است تا لحظاتی دیگر دو سارق خشن در خیابان صابونیان در محله باغ آذری در جنوب تهران صحنه سرقت موبایل‌قاپی از زن جوانی را که ۲۴ روز قبل رقم زده بودند بازسازی کنند. محل حادثه مقابل پاساژ بازار بزرگ گل مصنوعی ثامن است و تعدادی خبرنگار و عکاس هم برای پوشش بازسازی صحنه در محل حضور دارند. علاوه برای عکاسان و خبرنگاران، تعدادی از کاسبان و اهالی محل هم برای دیدن سارقان جلوی پاساژ تجمع کرده‌اند. ساعت ۱۱:۱۰ است و خودروی حامل سارقان به محل می‌رسد، درست در همان ساعتی که آنها موبایل‌قاپی وحشیانه را انجام داده بودند.

■ موبایل‌قاپان بی‌رحم

سارقان دو مرد جوان به نام‌های بهزاد و احسان هستند. آنها روز حادثه تلفن همراه زنی جوان را که فرزند شیرخوارش را بغل گرفته بود، سرقت کردند. در آن حادثه، سارقان بی‌رحم حین موبایل‌قاپی زن جوان را هل دادند، به‌طوری که کودک شیرخوارش از دستش رها شد و با سر به زمین خورد و سپس مادرش هم روی زمین افتاد و هر دو به شدت آسیب دیدند. متهمان که زمان سرقت ماسک به صورت داشتند و پلاک موتورشان را هم مخدوش کرده بودند، تصور نمی‌کردند شناسایی و دستگیر شوند، اما حالا در میان انبوهی از خبرنگاران، عکاسان و اهالی محل گیر افتاده‌اند، به‌طوری که به سختی قدم برمی‌دارند تا به کنار دیوار برسند و مقابل شاکی قرار بگیرند. دو مرد جوان شرم می‌کنند به شاکی که مثل همان روز فرزند شیرخوارش را بغل کرده، نگاه کنند و تازه الان متوجه شده‌اند که چه صحنه شرم‌آور و وحشتناکی را رقم زده‌اند. متهمان پس از بازسازی صحنه جرم و مواجهه با دو شاکی به اداره پلیس منتقل شدند.

■ مطالبه مردم

اهالی محل که مدتی است از دست سرقت‌های سریالی دو سارق جوان و دیگر هم‌صنف‌هایشان عاصی شده‌اند با دیدن سارقان از پلیس تشکر و درخواست کردند با قاپ‌زنان همانند اراذل و اوباش برخورد کند تا دیگر جرئت نکنند در روز روشن به زنی که کودکی خردسال را در آغوش دارد حمله‌ور شوند و برای سرقت موبایل او را روی زمین بکشند و به او و فرزند شیرخوارش آسیب برسانند. یکی از اهالی محل می‌گوید: «متهمان خیلی به نظر مظلوم می‌آیند، اما آنها تعارض به مظلوم‌نمایی می‌کنند، چون باید ذات واقعی‌شان را حین سرقت ببینی که چطور وحشیانه و بی‌محابا برای سرقت موبایل یا کیف به زنان حمله‌ور می‌شوند. ما مردم از پلیس می‌خواهیم به شدت با آنها برخورد کند.»

■ اظهارات شاکی

شاکی زن جوانی است و دقایقی مانده به بازسازی صحنه سرقت در حالی که دختر خردسالش را مثل روز حادثه در بغل دارد، همراه شوهر و پسر خردسالش به محل حادثه می‌آید تا با سارقان خشن در همان نقطه حادثه مواجهه حضوری شود.

وی در توضیح روز حادثه به خبرنگار ما گفت: «من و شوهرم از اتباع هستیم و چند سالی می‌شود که در تهران زندگی می‌کنیم. برادرشوهرم در پارکینگ این مرکز خرید مشغول به کار است و روز حادثه هشتم فروردین‌ماه امسال قبل از ظهر همراه شوهر و فرزندانم به این مکان آمدیم تا شوهرم موتورش را از پارکینگ بردارد و با هم برای خرید عید فطر به بازار برویم. شوهرم همراه پسر سه ساله‌ام به داخل پارکینگ رفتند و من و دختر یک‌ونیم ساله‌ام جلوی در پارکینگ منتظر ماندیم. دخترم بغلم بود که گوشی‌ام را از داخل کیفم بیرون آوردم تا به مادرم زنگ بزنم. در همین لحظه مرد جوانی که ماسک به صورت داشت از پشت به من حمله کرد و موبایلم را گرفت. به طرف مرد جوان برگشتم و در برابرش مقاومت کردم، اما او به شدت مرا کشید که دخترم از دستم رها شد و به زمین خورد و خودم هم روی او افتادم. سر دخترم به زمین برخورد کرد و گریه‌اش بلند شد و از اینکه برای فرزندم اتفاقی بیفتد به شدت ترسیده بودم و وحشت سرتاپای مرا گرفته بود.

خیابان خلوت بود و تنها کسی که متوجه شد، نگهبان مرکز خرید بود که به کمکم آمد، اما سارقان به سرعت با موتورسیکلت فرار کردند.

■ برخورد قاطع با قاپ‌زنان

سردار علی ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ در حاشیه بازسازی جرم گفت: آخرین روزهای فروردین ماه امسال فیلمی از یک سرقت خشن که دو مرد موتورسوار موبایل زن جوانی که بچه‌اش در آغوشش بود، در فضای مجاز منتشر شد. با شکایت این زن و تشکیل پرونده در پلیس آگاهی تهران بزرگ، تیمی از مأموران این پلیس وارد عمل شدند و بررسی‌های خود را آغاز کردند. در بررسی‌ها مشخص شد سارقان با تهدید این زن و آسیبی که به او و کودکش زده‌بودند، تلفن همراه وی را سرقت می‌کنند و بعد از سرقت از محل متواری می‌شوند.

رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ ادامه داد: با تلاش‌های شبانه‌روزی، کارآگاهان موفق به شناسایی این سارقان و در نهایت روز یک‌شنبه با هماهنگی مرجع قضایی این متهمان در مخفیگاه‌شان شناسایی و دستگیر شدند.

سردار گودرزی افزود: متهمان در بازجویی‌های انجام شده به جرم خود اعتراف کرده‌اند و در بازرسی از مخفیگاه‌شان نیز ادوات سرقت و همچنین اموال مسروقه کشف شده‌است. این سارقان در بازجویی‌های تکمیلی به چندین فقره سرقت مشابه نیز اعتراف کرده‌اند و مالخر آنها نیز شناسایی و دستگیر شده‌است. وی با تأکید بر عزم پلیس در برخورد قاطع با مجرمان خشن اعلام کرد: با توجه به نوع جرمی که دو متهم انجام دادند و تعامل خوبی که با دستگاه قضایی داریم، برای متهمان اشد مجازات قانونی در نظر گرفته خواهد شد. ما گشت‌های پلیس آگاهی، پیشگیری و یگان امداد را در این منطقه تقویت کرده‌ایم و آموزش‌های لازم برای افزایش دقت در تجزیه و تحلیل جرائم به نیروها داده شده‌است.

■ کابوس می‌بینم

وی ادامه داد: «تمام نگرانی‌ام دخترم بود، چراکه می‌ترسیدم سرش به خاطر اصابت با زمین آسیب دیده باشد و درد خودم را فراموش کرده بودم. دقایقی بعد شوهرم آمد و وقتی فهمید سارقان گوشی‌ام را سرقت کرده‌اند به اداره پلیس رفت و شکایت کرد. من فکر نمی‌کردم سارقان گوشی‌ام دستگیر شوند، چون آنها هم صورتشان را پوشانده بودند و هم پلاک موتورسیکلت‌شان مخدوش بود. شنیده بودم چند روز قبل هم گوشی چند نفر را در همین نزدیکی‌ها سرقت کرده‌اند و الان از پلیس تشکر می‌کنم و انتظار دارم طبق قانون با آنها برخورد شود تا دیگر جرئت نکنند اینقدر بی‌محابا برای سرقت به مردم حمله کنند.»

وی گفت: «پس از این حادثه، وحشت و ترس یک هفته همراه من بود. شب‌ها کابوس می‌دیدم و نیمه‌شب از خواب بیدار می‌شدم و از ترس نمی‌توانستم بخوابم تا اینکه کم‌کم حالم بهتر شد. چند روز قبل که فیلم سارقان پخش شد و دوباره صحنه را دیدم، ترس و لرز به جانم افتاد و فکر کردم چطور این دزدان خشن حتی به دختر یک و نیم ساله‌ام که بغلم بود رحم نکردند. من می‌خواهم از سارقان سؤال کنم اگر کسی به مادر یا خواهرشان برای سرقت یک گوشی حمله کند و آنها را به زمین بزند، چه عکس‌العملی از خود نشان می‌دهند.»

■ تشکر از پلیس

زن جوان دیگری که ۲۷ فروردین‌ماه در دام قاپ‌زنان خشن گرفتار شده بود، گفت: حدود ساعت ۱۱:۴۲ بود و من از ماشین پیاده شدم تا از طریق دستگاه خودپرداز برای یکی از دوستانم مبلغی را کارت به کارت کنم. پس از اینکه پول را انتقال دادم، تلفن همراهم را از کیفم بیرون آوردم تا به دوستم پیامک بزنم که پول را به کارتش واریز کرده‌ام که موتورسیکلتی با دو سرنشین کنارم توقف کرد. یکی از آنها کاپشن مشکی و دیگری کاپشن قرمز به تن داشت و هر دو ماسک به صورت داشتند. یکی از آنها ناگهان موبایلم را از دستم قاپید و به سرعت سوار موتور شد و فرار کردند.

وی ادامه داد: «لحظاتی در شوک بودم و زبانم بند آمده بود تا اینکه به خودم آمدم و به اداره پلیس رفتم و شکایت کردم. روزی که فیلم سرقت وحشیانه این دو سارق از زن بچه به بغل را در فضای مجازی دیدم، آنها را شناختم و الان هم که متوجه شدم دستگیر شده‌اند و قرار است صحنه را بازسازی کنند به محل آمدم تا با آنها روبه‌رو شوم و سؤال کنم چطور از یک زنی که بچه در بغل داشت، سرقت کردید. من از مأموران پلیس تشکر می‌کنم که سارقان را خیلی زود به دام انداختند.»

قاپ‌زنان زیبای وحشی!

نام باندشان را «قاپ‌زنان زیبای وحشی»! گذاشته‌اند و به گفته یکی از آنها این نام برایش خاطره یکی از دوستان صمیمی‌اش را که به جرم دو قتل قصاص شده است، زنده می‌کند و از طرفی باعث وحشت رقیبانشان می‌شود. احسان سارقی است که به همین دلیل این نام را روی گردنش خالکوبی کرده است. او از سرقت‌های سریالی‌اش به «جوان» می‌گوید.

احسان سابقه داری؟

بیشتر سابقه‌های من درگیری و نزاع است. یک‌بار هم به اتهام موبایل‌قاپی دستگیر شدم و به زندان افتادم، اما وقتی آزاد شدم تصمیم گرفتم سرقت نکنم.

پس چرا دوباره شروع به سرقت کردی؟

دوستم بهزاد پیشنهاد داد، چون موتور دارم و رانندگی‌ام خوب است. او گفت پول خوبی گیرمان می‌آید و من هم وسوسه شدم و قبول کردم. در تمامی سرقت‌ها من راکب بودم و موتورسیکلت را می‌راندم و بهزاد قاپ‌زنی می‌کرد.

از کی شروع به سرقت کردید؟

از روز هشتم فروردین‌ماه سرقت‌هایمان را شروع کردیم. اولین سرقتمان موبایل‌قاپی از زنی جوان بود که فرزند خردسالش را بغل کرده بود.

یعنی در اولین سرقت به دام افتادید؟

نه، پس از سرقت از زن جوان دوباره سرقت‌هایمان را ادامه دادیم. فکر کنم ۱۰، ۱۲ بار در این مدت موبایل‌قاپی داشتیم.

فیلم سرقت‌تان را در فضای مجازی دیده بودید؟

نه. اگر دیده بودیم که حتماً فرار می‌کردیم و حداقل برای مدتی سرقت نمی‌کردیم. فیلم را نه من و نه همدستم و حتی دوستانمان هم ندیده بودند.

چرا پشت گردنت را کلمه «زیبای وحشی» خالکوبی کرده‌ای؟

زیبای وحشی برایم یک خاطره است و دوست ندارم هرگز این خاطره را فراموش کنم. از طرفی هم دوست داشتم این کلمه را پشت گردنم خالکوبی کنم تا در دل رقیبانم وحشت بیندازم و می‌خواستم در کری‌خوانی‌ها کم نیاورم و برای خودم اسم و رسمی به دست بیاورم، به همین دلیل دوست داشتم اسم گروهمان را زیبای وحشی بگذارم.

چه خاطره‌ای از زیبای وحشی داری؟

یکی از دوستان قدیمی و صمیمی‌ام زیبای وحشی را خالکوبی کرده بود، اما چند سال قبل به جرم قتل به زندان افتاد. او در زندان رجایی‌شهر دومین قتلش را هم مرتکب و پس از آن قصاص شد. به خاطر عشق و علاقه‌ای که به او داشتم من هم زیبای وحشی را روی گردنم خالکوبی کردم تا خاطره او همیشه در ذهنم زنده بماند.

متأهلی؟

متاهل بودم، اما زنم خیانت کرد و از هم جدا شدیم.

حرف آخر؟

من ورزشکارم و از دوران کودکی بدنسازی کار می‌کردم، اشتباه کردم که وارد جرگه خلافکاران شدم.

خواب بودیم که دستگیر شدیم

بهزاد چند سال داری؟ ۳۲ سال.

سابقه داری؟ بله.

چه سابقه‌ای و چه تعداد؟

من سابقه سرقت دارم و چهار بار هم به همین جرم به زندان افتاده‌ام.

از چه سالی شروع به سرقت کردی؟

از سال ۹۱ شروع به سرقت کردم و همان سال هم دستگیر شدم و دو سال زندان بودم. پس از آزادی دوباره سرقت‌هایم را ادامه دادم و سه بار دیگر هم دستگیر شدم و به زندان افتادم.

چه شد که در آن سن شروع به سرقت کردی؟

معتاد شدم و برای تأمین پول موادمخدرم سرقت می‌کردم.

به چه موادی اعتیاد داشتی؟ مورفین.

آخرین بار کی از زندان آزاد شدی؟

شهریور سال گذشته.

بلافاصله شروع به سرقت کردی؟

می‌خواستم سرقت را شروع کنم که خانواده‌ام برای ترک اعتیاد مرا در یک کمپ بستری کردند و اسفندماه سال قبل از کمپ ترک اعتیاد مرخص شدم.

درباره روز سرقت توضیح بده؟

آن روز اولین روزی بود که همراه همدستم برای سرقت به خیابان رفتیم. در خیابان با موتورسیکلت دوردور می‌کردیم و به دنبال طعمه می‌گشتیم که چشممان به زن جوانی افتاد. من از موتورسیکلت پیاده شدم و موبایل او را سرقت کردم.

به نظرت سرقت از یک زن بچه به بغل مردانگی است؟

(سکوت می‌کند.)

فیلم سرقت‌تان را دیده‌ای که چطور زن جوان همراه کودکش روی زمین می‌افتد؟

من بچه را ندیدم.

یعنی شما بچه را بغل زن جوان ندیدی، اما موبایل را دیدی؟

لحظه اول بچه بغلش نبود، اما وقتی ما برای سرقت دور زدیم بچه را بغلش کرد و آن لحظه هم فقط به فکر سرقت بودیم.

فکر نکردی زن جوان یا فرزندش جانشان را از دست بدهند؟

اشتباه کردم. خدا به ما رحم کرد که آنها آسیب جدی ندیدند و فوت نکردند، وگرنه الان قاتل بودیم.

اگر همین کار را کسی با مادر یا خواهر شما انجام دهد، چه عکس‌العملی نشان می‌دهید؟

(سکوت می‌کند.)

در این مدت چند موبایل سرقت کرده‌اید؟

فکر کنم حدود ۱۲ موبایل.

موبایل‌های سرقتی را چند می‌فروختید؟

هر موبایل بین یک میلیون تومان تا یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان.

فکر می‌کردید که دستگیر شوید؟

نه. ما ماسک داشتیم و همدستم هم پلاک موتورش را مخدوش کرده بود.

چطور دستگیر شدید؟

خواب بودیم که مأموران را بالای سرمان دیدیم و دستگیرمان شدیم.

یادداشت

این همه بی‌رحمی از کجاست؟!

حسین فصیحی
دبیر گروه حوادث

داشتن پلیس مقتدر برای جامعه مایه مباهات است. پلیسی که با انتشار فیلم خشونت علیه شهروندان دست به کار می‌شود و در کمترین زمان مجرمان را بازداشت می‌کند و آنها را در محلی که مرتکب جرم شده‌اند، در معرض نگاه مردم قرار دهد تا رفتار پرخطرشان در معرض داوری جامعه قرار گیرد و آن وقت است که مردم از واکنش پلیس و امنیتی که به جامعه برگشته است، احساس آرامش می‌کنند.

خیلی از شهروندانی که هدف خشونت قرار می‌گیرند و پرونده‌هایشان در اداره پلیس در نوبت رسیدگی قرار دارد یا به دلیل شناسایی‌نشدن مجرمان، پرونده‌شان به بایگانی سپرده شده‌است، آرزو می‌کنند ای کاش فیلمی از خشونتی که علیه آنها صورت گرفته‌است، وجود داشت، با این حال پلیس همواره این اطمینان را به جامعه داده است که در برخوردهای خود علیه مخلان امنیت به یک شیوه عمل می‌کند، هر چند باید در نظر داشت ظرفیت استفاده از بستر شبکه‌های اجتماعی توانسته‌است در کسب تولید امنیت موفق عمل کند. از همین‌رو، موفق عمل کردن پلیس در چنین پرونده‌هایی، می‌تواند به بازدارندگی اجتماعی در پیشگیری از وقوع جرم هم منجر شود.

وقتی فیلم زورگیری دو موتورسوار از مادری که کودک به بغل داشت در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، خشونت به کار گرفته شده علیه مادری که فرزند به آغوش دارد، بیش از هر چیز عیان شد. مثل حادثه زورگیری از مادربزرگی در خیابان پیروزی تهران که اسفندماه سال فیلم آن منتشر شد و در جریان آن سارقی موتورسوار گردنبند مادربزرگ را سرقت کرد، اما خیلی زود مأموران پلیس به سراغ مجرم رفتند و او را بازداشت کردند. محتوای این فیلم‌ها و فیلم‌های بیشتر و گزارش‌هایی که ما در این‌باره منتشر می‌کنیم، روشن می‌کند میزان شناعت به کار رفته در جرائم به حدی رسیده‌است که نمود آن باعث وحشت جامعه می‌شود، با این حال ساختار مدیریتی جامعه باید در نظر داشته‌باشد تلاش خود را برای نفی تثبیت این حد از خشونت به کار گیرد. جامعه سال‌های بسیاری است به خشونت بسیار مبتلا شده‌است که توجه به نفی خشونت در آن صرفاً در برخورد با عاملان خشونت تعریف شده‌است، برای همین یا از دل هر خشونت، خشونت دیگری تولید می‌شود یا مجرمان برای ارتکاب به عمل مجرمانه رفتار مجرمانه‌شان را تغییر می‌دهند. در وضعیت موجود در مواجهه با خشونت‌های اجتماعی انتظار عمومی همواره بر مطالبه‌گری از پلیس متمرکز بوده‌است، با این حال همواره در پرونده‌های مشابه شاهد هستیم این پلیس است که در عمل به وظیفه قانونی‌اش در صحنه حضور دارد و در جریان تقابل با مجرمان آسیب هم می‌بیند، اما عوامل دیگری که مسیر را برای تولید و ترویج خشونت هموار می‌کنند از نگاه جامعه دور می‌مانند.

ثبت ۱۹۵ هزار تخلف حادثه‌ساز در فروردین‌ماه پایتخت

رئیس پلیس راهور تهران گفت که فروردین امسال، ۱۹۵ هزار راننده به دلیل تخلفات حادثه‌ساز جریمه شده‌اند.

سردار سیدابوالفضل موسوی‌پور به «جوان» گفت: مأموران پلیس راهور تهران در جریان مأموریت‌های خود، ۱۹۵ هزار راننده را به دلیل تخلف حادثه‌ساز جریمه کرده‌اند. وی ادامه داد: تخلفاتی مثل عبور از چراغ قرمز، سرعت و سبقت غیرمجاز و سایر رفتارهای پرخطر، تهدیدی برای سلامت و امنیت شهروندان است که پلیس با متخلفان برخورد خواهد کرد.

بازداشت عاملان قتل در پارک جنگلی چیتگر

دو مرد جوان که از ۱۶ فروردین‌ماه به اتهام قتل در پارک جنگلی چیتگر تحت تعقیب قرار داشتند، بازداشت شدند.

به گزارش «جوان»، ۱۶ فروردین‌ماه کارکنان یکی از بیمارستان‌های غرب تهران پلیس را از مرگ مشکوک پسری جوان با خبر کردند.

بررسی‌های کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران با حضور در بیمارستان نشان داد پسری جوان که با ضربات چاقو زخمی و به بیمارستان منتقل شده‌بود، به دلیل شدت جراحت جان باخته‌است. بعد از آن بود که پرونده با موضوع قتل عمد تشکیل شد و تحقیقات در این‌باره ادامه پیدا کرد. در شاخه دیگری از بررسی‌ها کارآگاهان با بررسی دوربین‌های مداربسته و بررسی‌های میدانی متوجه شدند حادثه خونین از سوی دو مرد جوان رقم خورده است. همچنین معلوم شد دو متهم شب حادثه بعد از حادثه سوار یک خودروی پژو ۲۰۷ و از محل متواری شده‌اند. کارآگاهان با بررسی شماره پلاک خودرو مالک آن را که زنی میانسال بود، شناسایی کردند. وی در تحقیقات گفت که روز حادثه خودرو در اختیار پسرش که نگهبان مرکز خرید در سعادت‌آباد است، قرار داشت.

در شاخه دیگری از تحقیقات کارآگاهان موفق شدند مخفیگاه دو متهم را در شهرستان شهریار شناسایی و دو متهم را بازداشت کنند. دو متهم در بازجویی‌ها به درگیری خونین اعتراف کردند و گفتند که شب حادثه مشروب مصرف کرده‌بودند و در همان حال با مقتول درگیر شده و حادثه را رقم زده‌اند که تحقیقات از آنها ادامه دارد.

مرگ دوچرخه‌سوار در تصادف با پژو ۲۰۶

رئیس اداره تصادفات پلیس راهور تهران بزرگ از مرگ دوچرخه‌سوار در تصادف با یک دستگاه پژو ۲۰۶ خبر داد.

سرهنگ رابعه جوانبخت به «جوان» گفت: ساعت ۸:۳۰ صبح روز گذشته، مأموران پلیس راهور از حادثه رانندگی در شرق به غرب بزرگراه آزادگان روبه‌روی ورزشگاه شهید کاظمی باخبر و در محل حاضر شدند. وی ادامه داد: بررسی‌ها نشان داد در جریان تصادف پژو ۲۰۶ با دوچرخه‌سواری که در حال عبور بود، دوچرخه‌سوار به دلیل شدت جراحت فوت شده است. وی گفت علت حادثه در دست بررسی است.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

هیات حل اختلاف مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک دستجرد تصرفات مالکانه مفروزی متقاضیان پرونده های تشکیلی طبق قانون، تعیین تکلیف را بر اساس گزارش کارشناسان و به استناد مدارک موجود در پرونده به شرح آرای ذیل تایید نموده اند.۱-رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۳۰۰۰۳۰۰۳۲۱۰ پرونده کلاسه ۴۲۴۲۸۱۳۸۲۳۴۶۶۳۹۰۳۸۳۲۳۴۴۶۸ آقای حسین زینلی جهرودی فرزند غلامرضا در ششدانگ قطعه باغ قسمتی از پلاک ۳۶۳ فرعی از ۳ اصلی به مساحت ۱۰۳۷/۷۵ متر مربع واقع درقم بخش حوزه ثبت ملک دستجرد مبایعه نامه عادی ازطرف غلامرضا زینلی جهرودی درسهم متقاضی قرار گرفته است (م الف ۱۹۰۱۶۵۵) که مورد تایید قرار گرفته واز آنجایی که مقرر گردیده پس از نشر آگهی وانقضای مورد مقرر سند مالکیت رسمی صادر گردد. با توجه به عدم دسترسی به مالکین مشاعی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی تا چنانچه اشخاص ذینفع اعتراضی داشته باشند، ظرف مدت ۲ ماه از تاریخ انتشار آگهی نوبت اول اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد دستجرد تسلیم و رسید آن را اخذ و ظرف مدت یک ماه پس از تسلیم اعتراض به اداره ثبت به دادگاه مراجعه و دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم و گواهی آن را به این اداره تحویل نمایند لازم به توضیح است که صدور سند بر اساس قانون مذکور مانع از

تاریخ انتشار نوبت اول: یک شنبه ۱۴۰۴/۰۱/۱۷ تاریخ انتشار نوبت دوم: سه شنبه ۱۴۰۴/۰۲/۰۲

مهدی حسن پور - رئیس ثبت اسناد و املاک خلجستان